جوان

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل و مدیر مسئول: عبدالله گنجی
سردبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری تقاطع میرزای شیرازی، پلاک ۳۸۴
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۴۹۸۴۷۳
روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸، نمابر: ۶-۸۸۸۴۵۶۳۴
توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۷۷-۷۶-۸۸۴۹۸۴۷۵
چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان
www.javanonline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۴۹۳۰ | یک‌شنبه ۱۸ مهر ۱۳۹۵ | ۷ محرم ۱۴۳۸| اذان ظهر: ۱۱:۵۱ |
غروب آفتاب: ۱۷:۳۷|اذان مغرب: ۱۷:۵۵|نیمه شب شرعی: ۲۳:۱۰|اذان صبح فردا: ۰۴:۴۳|طلوع آفتاب فردا: ۰۶:۰۷|

راه سعادت

حکمت ۱۱۵

كَيْفَ نَجِدُكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ ع كَيْفَ يَكُونُ حَالُ مَنْ يَفْنَى بِبَقَائِهِ وَ يَسْقَمُ بِصِحَّتِهِ وَ يُؤْتَى مِنْ مَأْمَنِهِ.

چگونه خواهد بود حال کسی که در بقای خود ناپایدار و در سلامتی بیمار است و در آنجا که آسایش دارد مرگ او فرا می‌رسد!

نما | حسین کشتکار

بازتاب | فرزین ماندگار

انتشار پوستر یک فیلم پیش از صدور مجوز نمایش جنجال آفرین شد

«پارادایس» دردسر تازه سازمان سینمایی

انتشار پوستر جنجالی فیلم «پارادایس» ساخته علی عطشانی را در فضای مجازی در حالی که این فیلم هنوز مجوز نمایش نگرفته، باید دردسر تازه سازمان سینمایی قلمداد کرد. به تازگی پوستری در فضای مجازی منتشر شد که در آن دو روحانی در کنار یک دختر آلمانی بدون حجاب در حال سلفی گرفتن هستند. این پوستر به سرعت در فضای مجازی دست به دست شد و این سؤال درباره آن مطرح شد که با وجود صادر نشدن مجوز نمایش برای این فیلم چگونه پوستر آن انتشار پیدا کرده است. گفته می‌شود که فیلم پارادایس با وجود اصلاحیه‌هایی که سازمان سینمایی بر آن وارد دانسته و ظاهراً از سوی عوامل فیلم اجرا شده است، همچنان امکان نمایش عمومی ندارد و این مسئله می‌تواند چالش تازه‌ای برای سازمان سینمایی محسوب شود.

پس از انتشار پوستر فیلم پارادایس، کارگردان این فیلم در گفت و گویی با خبرگزاری مهر تأکید کرد: «پوستر منتشر شده از این فیلم در فضای مجازی، پوستر اصلی نیست و این طرح اولیه مورد تأیید قرار نگرفته است؛ این عکس متعلق به یکی از طرح‌هایی است که توسط یکی از دوستان آماده شده بود و تنها در حد یک طرح بود. پوستر منتشر شده نه مورد تأیید من و نه مورد تأیید طراح پوستر است.» کارگردان فیلم «دموکراسی تو روز روشن» توضیح داده است: «پارادایس تولید مشترک ایران و آلمان است و این فیلم نزدیک به دو سال است که ساخته شده و من برای دریافت پروانه نمایش در حال تعامل با سازمان سینمایی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هستم به همین دلیل اجازه ندادم تا طرف آلمانی فیلم را در این کشور به نمایش بگذارد.»

وی در این باره اضافه کرده است: «در حال حاضر طرف آلمانی نسخه‌ای از این فیلم را برای حضور در چند جشنواره بین‌المللی ارسال کرده است. در همین راستا، تهیه‌کننده آلمانی برای تهیه بروشور فیلم برای حضور در جشنواره به اطلاعات و تعدادی از عکس‌های فیلم نیاز داشت که متأسفانه یکی از دوستان ما طی یک اشتباه سهوی فایل طرح‌های پوستر را ارسال می‌کند و پخش‌کننده خارجی نیز بدون اطلاع از این اشتباه، این فایل را روی سایت می‌گذارد. تا زمانی که پروانه نمایش پارادایس صادر نشود، هیچ گونه تبلیغی انجام نخواهد شد و عوامل فیلم هم به خوبی می‌دانند که تا زمان دریافت پروانه نمایش نباید هیچگونه تبلیغی انجام دهند. به تازگی اصلاحاتی از سوی سازمان سینمایی اعلام شده که ما تمام اصلاحیه‌ها را اجرا و نسخه جدید را به سازمان سینمایی تقدیم کردیم.» صادر نشدن پروانه نمایش برای فیلم پارادایس با وجود گذشت نزدیک به دو سال از ساخته شدن آن، به احتمال زیاد بایگانی‌شدن فیلم دیگری در سینمای ایران پیش از نمایش را به ذهن متبادر می‌کند. پیش از این فیلم «تلفن همراه رئیس‌جمهور» ساخته این فیلمساز لغو مجوز شده و راه به اکران نبرده بود.

دریچه | میلاد نجفی

دستمزد مداحان، نذری‌های میلیاردی و چند دروغ دیگر

پس از ماه مبارک رمضان، دومین فصلی که موج هجمه‌ها به اعتقادات مذهبی مردم شدت می‌گیرد، ماه محرم است، پدیده‌ای که امسال هم با دروغ چک‌های دستمزد به مادحین و اظهارات برخی نمایان شد.

یک بام و دو هوا

به جای زیارت و نذری و عزاداری پول آن را به فقرا بدهید! جمله فوق تم ثابت انتقادات اقلیتی است که عمدتاً در شبکه‌های مجازی و پشت نام‌های کاربری غیرواقعی همزمان با مناسبت‌های مذهبی در مقابل احساسات و اعتقادات دینی مردم ابراز می‌دارند، اما هدف این جماعت چیست؟ دلسوزی برای فقرا؟ ابتدا باید بررسی کرد که تکلیف این اقلیت با خودشان روشن است، آیا آنها دیندار هستند یا بی‌دین؟ اگر اهل دین و اعتقادات مذهبی هستند که باید بدانند طبق آیات و روایات فراوان همان گونه که کمک به فقرا لازم است، زیارت خانه خدا و تکریم مقام اهل‌بیت نیز پسندیده و در مواردی واجب است، پس با بهانه کمک به فقرا نمی‌توان آنها را ترک کرد و اصلاً مگر نه اینکه بسیاری از این مراسمات و نذورات توسط همان قشر مستضعف و به عشق اهل‌بیت مهیا می‌شود؟ اما با فرض دوم که منتقدان دیندار نباشند، باید این سؤال ساده را مطرح کرد که با همان منطق ظاهراً دلسوزانه خود در مقابل فقرا، چرا راه کمک به فقرا را فقط در مسیر اعتقادات مذهبی مردم بررسی می‌کنید؟ مگر نه اینکه قشر خودتان سالانه میلیاردها تومان خرج سفر به تایلند و ترکیه و خوشگذرانی می‌کند و مگر نه اینکه در داخل کشور پول‌های کلانی هزینه کنسرت و مهمانی‌های آنچنانی و اتومبیل‌های لوکس می‌شود؟

خواننده‌ای از مریخ

«عبدالحسین مختاباد» خواننده و نماینده اصلاح‌طلب شورای شهر تهران که به گفته خود با شرکت‌های مختلفی مثل «کریستال» و «هداند شولدر» بابت تأمین کنسرت‌های خود قرارداد بسته است، مادحین اهل‌بیت را به دریافت دستمزدهای چند ۱۰ میلیون تومانی برای یک شب متهم و سپس به انتقاد از شهرداری تهران بابت کمک به هیئات مذهبی کرده است. انگار ایشان نمی‌دانند که جمعیت مادحین اهل‌بیت در این مملکت لااقل به صدها نفر می‌رسد که اگر فرضاً به تعداد انگشتان یکدست نفراتی هم باشند که دستمزد میلیونی دریافت می‌کنند، موضوع قابل توجهی نیست، فارغ از اینکه دستمزد برآمده از جیب شخصی بانیان جلسات سیدالشهدا شرعاً و عرفاً به آقای مختاباد و امثالهم ارتباطی ندارد و مسئله‌ای شخصی است. آقای خواننده که گویا در مریخ زندگی می‌کنند فرموده‌اند، شهرداری دو تکیه بسازد و هیئات تهران را در آنجا جمع کند! آقای «مختاباد» عزیز! تهران صدها هیئت عزاداری دارد که برخی از آنها در شب‌های محرم با جمعیتی چندبرابر جمعیت کنسرت‌های شما روبه‌رو می‌شوند، این جمعیت مجموعاً چندمیلیونی را چگونه در دو نقطه می‌توان جای داد؟

چک‌های میلیونی به مادحین

تصاویری در شبکه‌های اجتماعی با عنوان «چک‌های دستمزد چندمیلیونی به مداحان» منتشر شده است که در آن چند فقره چک از یکی از بانک‌های نزدیک به شهرداری تهران و در وجه چند مداح مشهور صادرشده بود. اقدام ناشیانه‌ای که در همان نگاه اول می‌شد دروغ بودن آن را تشخیص داد، از استفاده از عنوان «حاج» در چک تا اشتباه در عنوان نام مادحین و این مسئله که اصولاً به فرض واقعی بودن ماجرا، این چک‌ها چطور یکجا به دست کسی رسیده که عکس بگیرد و منتشر کند!

رویه و منابع انتشار چنین دروغ‌ها و اتهاماتی در سال‌های اخیر کاملاً مشهود است که می‌توان با بررسی آنها فهمید که این اقدامات در خوشبینانه‌ترین حالت از روی جهالت و کم‌اطلاعی و در حالت بعدی به‌دلیل کینه و دشمنی با اعتقادات مذهبی مردم است، وگرنه در فرهنگ و هنر این مملکت موارد مشابه ثابت شده فراوانی وجود دارد که این اقلیت ریاکار در آن زمان نابینا و ناشنوا می‌شوند.

کارگردان «کربلا؛ جغرافیای یک تاریخ» در گفت‌وگو با «جوان»:

همین که فیلم‌مان بیشتر از این خاک نخورد، ممنونم!

هنوز خیلی‌ها باور ندارند که کل ماجرای عاشورا یک صبح تا ظهر بوده است

محمدصادق عابدینی

داریوش یاری کارگردان مستند «کربلا؛ جغرافیای یک تاریخ» که این روزها در حال اکران عمومی است، می‌گوید فیلمش را صرفاً به این دلیل ساخته که فرهنگی که باعث ایجاد حماسه عاشورا شده و هزار و ۴۰۰ سال است که امتداد داشته، باقی بماند. مستندسازی که از شرایط اکران فیلمش راضی نیست و معتقد است اگر در سینمای ما کارفرمایی قوی وجود داشت، برای اکران فیلم‌هایی با موضوع عاشورا برنامه‌ریزی می‌کرد نه بخواهد با فیلم‌ها کاری کند که همه را راضی نگه دارد. در گپ و گفت کوتاهی با یاری به «کربلا؛ جغرافیای یک تاریخ» پرداخته‌ایم.

در «کربلا؛ جغرافیای یک تاریخ» سراغ موضوعی رفته‌اید که همه درباره آن اطلاع دارند، آیا همین کار را برای شما سخت نکرده است و اینکه چه کار کرده‌اید که روایت‌تان از عاشورا دارای جذابیت‌های خودش باشد؟

واقعیتش این است که اصلاً با این حرف موافق نیستم که می‌گویند مردم ابعاد مختلف عاشورا را خوب می‌دانند.

چطور؟

بگذارید یک مثال بزنم. در یکی از اکران‌ها، یکی از تماشاگران فیلم بلند شد و به من گفت چرا جای روز عاشورا و تاسوعا را عوض کرده‌ای؟ گفتم چطور؟ گفت اول شهادت حضرت علی اکبر را نشان داده‌ای بعد شهادت حضرت ابوالفضل بعد هم شهادت امام حسین(ع)، در صورتی که حضرت ابوالفضل روز تاسوعا شهید شده، هنوز خیلی‌ها باور ندارند که کل ماجرا در یک صبح تا ظهر بوده است. خیلی‌ها از اتفاقات مسیر مکه تا کربلا خبر ندارند، اینکه بعد از شهادت حضرت، اولین زائر چه کسی بوده و اولین نشانه را چه کسی بر مرقد امام (ع) گذاشته است.

این نبود آگاهی در عین اینکه مردم هر ساله محرم را گرامی می‌دارند، از کجا نشئت می‌گیرد؟

مردم ما کم مطالعه می‌کنند، ولی به دلیل حضور در آیین‌های عاشورا یک فضای کلی از این حادثه را درک کرده‌اند. همین درک از عاشورا باعث شده تا این واقعه تاریخی در طول زمان به حماسه‌ای تبدیل شود و فرهنگ عاشورا را در رفتار جمعی مردم شکل دهد. اما از طرف مقابل نخبگان جامعه اهل مطالعه هستند، آنها به خوبی با جریان اتفاقات قیام عاشورا آشنا هستند، ولی چیزی که کمتر نخبگان ما آن را درک کرده‌اند، رفتار جمعی مردم در فرهنگ عاشورا است. من دقیقاً تلاش کرده‌ام بین روایت تاریخی مدنظر نخبگان و روایت حماسی ارتباط برقرار کنم و آن را کنار هم بگذارم تا نزدیک‌ترین ترجمه از واقعه عاشورا را به تصویر بکشم.

این کار به مطالعه و تحقیق زیادی نیاز دارد، چقدر برای پژوهش کار وقت گذاشتید و از چه کسانی کمک گرفتید؟

ما ۴ سال و نیم تا ۵ سال را صرف تحقیق کردیم. من و دوست عزیزم مسعود عراقی که از معماری بناها گرفته تا تاریخ وقایع و فرهنگ رفتارها و آیین‌ها را مدنظر قرار دادیم. از بعد تاریخی هم از نظرات حجت‌الاسلام رسول جعفریان و آقایان طهامی‌نژاد و طباطبایی‌نژاد که از نویسندگان دانشنامه امام حسین(ع) هستند، استفاده کردیم.

فیلم شما دو سال پیش در جشنواره فجر حضور داشت، چرا اینقدر دیر اکران شد؟

قرار بود که سال گذشته اکران شود، اما حوزه هنری ترجیح داد که اکران فیلم به امسال بیفتد.

پارسال قرار بود فیلم «رستاخیز» اکران شود، اما نشد، اکران فیلم شما می‌توانست به عنوان تک فیلم درباره عاشورا موفقیت بیشتری داشته باشد!

نمی‌دانم، احتمالاً باید این را کسانی که فیلم را اکران نکردند، پاسخ دهند.

از اکران امسال راضی هستید؟

اگر هنر و تجربه هم کمک می‌کرد، شرایط بهتر می‌شد، همین که چند سانس از سالن‌هایشان را به فیلم اختصاص می‌دادند، خوب بود. الان به سینما فردوسی که فیلم را اکران می‌کند، سر بزنید می‌بینید در حال بنایی هستند، سینما آزادی هم که سانس‌های ۹/۵ و ۱۲/۵ را به ما داده که داستان خودش را دارد، سینما پیام و شاهد هم هستند، خدا رو شکر که همین سالن‌ها را هم دادند! البته در دانشگاه‌ها و فرهنگسراها هم اکران داریم.

به نظر این شرایط اکران برای فیلمی که موضوعش عاشورا است، مناسب نیست!

همین که نگذاشتند فیلم‌مان بیشتر از این خاک بخورد، ممنونم. وقتی ۶۰ سالن سینما را به فیلمی می‌دهند که در آن بازیگران خوش بر و رو هستند، جایی برای ما نمی‌ماند، امسال همه اکران‌ها این طوری بوده است.

شما اصرار دارید که بگویید فیلم‌تان مستند است، ولی شما هم مثل «ایستاده در غبار» به بازسازی مستند وقایع پرداخته‌اید، چرا کارگردان آن فیلم می‌گوید فیلمش مستند نیست، ولی شما می‌گویید که هست!

درباره اینکه «ایستاده در غبار» فیلم مستند هست یا نیست، براساس آموزه‌های سینما و تعاریف آن ژانر فیلم مشخص است و شاید کارگردانش ادعایی داشته باشد، ولی فیلم من مستند است، چون ایده‌اش مستند است، موضوعش مستند است، روایت و ساختارش نیز مستندگونه است. «کربلا؛ جغرافیای یک تاریخ» به تماشاگر کمک می‌کند خودش را در پرده سینما پیدا کند و آن وقت بداند که چرا لبیک گفتن‌هایش در این هزار و ۴۰۰ سال باعث شده از یک واقعه، حماسه ایجاد شود.

فکر می‌کنید که به این نقطه رسیده‌اید؟

امام سجاد (ع) به فرزندانش توصیه می‌کند که به زیارت امام حسین (ع) بروند و برایش گریه کنند، از میان فرزندان امام سجاد(ع)، زید قیام مسلحانه را انتخاب کرد، ولی امام محمد باقر(ع) به توصیه پدرش عمل کرد، حال کدام یک از آنها موفق‌تر بودند؟ این فرهنگ را آیا چیزی به غیر از آن گریه و زیارت نگه داشته است؟ این همان چیزی است که می‌خواستم در «کربلا، جغرافیای یک تاریخ» نشان دهم. می‌خواستم فیلمی بسازم که بر این فرهنگ باقی بماند.

اگر شرایط بهتری بود، فیلم‌تان ارتباط بهتری با مردم ایجاد می‌کرد؟

بالاترین میزان فروش سینمای ایران چقدر است؟ حدود ۱۴ میلیارد تومان که با قیمت بلیت ۱۰ هزار تومانی می‌شود یک میلیون ۴۰۰ هزار نفر مخاطب، به این ۶۰۰ هزار نفر هم اضافه کنیم که بشود ۲ میلیون نفر، این دو میلیون یعنی تمام کسانی که به سینما می‌روند، سینمای ایران نیازهای این مخاطب ۲ میلیونی را درک کرده و می‌داند که چه چیزی دوست دارد، به خاطر همین برای تأمین این نیاز فیلم می‌سازد. در صورتی که فیلم‌هایی مانند «رستاخیز» و «کربلا؛ جغرافیای یک تاریخ» می‌توانستند مردم را به سینما بیاورند. یکی از مهم‌ترین فیلم‌های تاریخ سینمای ایران فیلم «خانه خدا» است که فیلمی مستند است و امام خمینی (ره) و استاد مطهری آن را تأیید کرده‌اند. آن فیلم توانست طبقه متوسط جامعه را به سینما بکشد، چون دست اندرکارانش می‌دانستند چطور فیلم را در سینماها اکران کنند. موفقیت آن فیلم به مذاق سینمای آن زمان خوش نیامد و یکی از تهیه‌کنندگان آن فیلم را جلوی ساختمانی که امروز خانه سینما است، با چاقو زدند. موفقیت آن فیلم به این دلیل بود که اندیشه‌ای برای چگونه اکران کردنش وجود داشت.

یعنی چنین اندیشه‌ای الان وجود ندارد؟

نه نیست، ما سال‌ها است یک کارفرمای قدرتمند و مسلط در سینما نداریم.

منظورتان از کارفرما دقیقاً کیست؟

از شخص وزیر ارشاد گرفته تا افراد پایین‌تر؛ مدیران مختلفی که می‌توانند تأثیرگذار باشند.

چرا می‌گویید الان مدیر خوب نداریم؟

فیلم رستاخیز را ببینید، سازندگانش شاید ۵۰ میلیارد تومان خرج کرده باشند و باید برای بازگشت سرمایه ۱۵۰ میلیارد تومان فروش می‌کرد. این میزان فروش در سینمای ایران یک شوخی بیش نیست، کسانی که این فیلم را ساخته‌اند به دنبال بیان حرفی بوده‌اند و می‌خواستند مردم فیلمی درباره عاشورا را ببینند، «فیلم محمد رسول‌الله (ص)» هم همین طور، آیا سازندگانش به بازگشت سرمایه فکر می‌کردند؟ آنها هم به دنبال انتقال پیامی به مردم بودند. باید کمک شود این فیلم‌ها اکران شوند، نه اینکه الان سازمان سینمایی می‌خواهد نه فیلم اکران شود که علما ناراحت شوند و هم فیلم اکران شود که احمدرضا درویش راضی باشد. سینمای ما از نبود آدم تصمیم‌گیرنده رنج می‌برد؛ کسی که بداند چه کار کند تا مردم به سینما بیایند و چه فیلمی به آنها نشان داده شود.

فروش «هیهات» از مرز ۳۲ میلیون تومان گذشت

آمار فروش «هیهات» در شهرستان‌ها ۶ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان و در مجموع به فروش ۳۲ میلیون و ۵۰۰ هزار تومانی رسید.

غلامرضا فرجی، مدیر پخش حوزه هنری درباره آخرین آمار فروش فیلم «هیهات» گفت: این فیلم چهارشنبه ۱۴ مهر ماه به فروش ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان و پنج‌شنبه ۱۵ مهر ماه به فروش ۵ میلیون تومانی رسید.

وی ادامه داد: آمار فروش این فیلم در شهرستان‌ها ۶ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان بوده است. «هیهات» در مجموع توانست به فروش ۳۲ میلیون و ۵۰۰ هزار تومانی برسد.

مدیر پخش حوزه هنری درباره فروش فیلم

«کربلا؛ جغرافیای یک تاریخ» اظهار داشت: فروش این فیلم در چهارشنبه ۱۴ مهر ماه ۵۰۰ هزار تومان و پنج‌شنبه ۱۵ مهر ماه نیز ۸۰۰ هزار تومان بوده است. فرجی خاطر نشان کرد: فروش کل این فیلم نیز در شهرستان‌ها ۴۰۰ هزار تومان و در مجموع به فروش ۳ میلیون تومانی رسیده است. گفتنی است، «هیهات» فیلم اپیزودیک با موضوعات اجتماعی و مفاهیم عاشورایی است که حمید فرخ‌نژاد، حامد بهداد، مینا ساداتی، بابک حمیدیان، آلا نجم و بهاران بنی‌احمد در آن به ایفای نقش پرداخته‌اند.

لازم به ذکر است، «کربلا؛ جغرافیای یک تاریخ» در فاز نخست، مروری مستندگونه بر حرکت حماسی امام حسین(ع) از ابتدا تا پس از شهادت در روز عاشورا دارد و در فاز بعدی چگونگی عزاداری در فرهنگ‌های مختلف در جهان را در ماه محرم بررسی می‌کند.

گفت‌وگوی «جوان» با محمدرضا شرف‌الدین درباره رسالت رسانه‌های انقلابی در جهانی کردن هنر مقاومت

بلد نیستیم حرف حقمان را خوب بسته‌بندی کنیم

جواد محرمی

محمدرضا شرف‌الدین، رئیس سابق انجمن سینمای دفاع مقدس که نزدیک به ۱۰ سال بر کرسی ریاست این انجمن تکیه‌زده بود، در گفت‌وگو با «جوان» به الزامات جدید هنر مقاومت به ویژه سینمای مقاومت اشاره کرد و نقش رسانه‌های انقلاب در باز تاب دادن سینما و هنر مقاومت را بسیار جدی و با اهمیت دانست.

مفهوم مقاومت در سینمای ما چقدر قابلیت ارائه دارد؟

ما هشت سال برای برقراری صلح جنگیدیم. دفاع ما از این جهت مقدس بود، چون به دنبال صلح پایدار و عادلانه بودیم. ما در دهه ۶۰ توانستیم گفتمان مقاومت را در سینما تا حدی تبیین کنیم، اما متأسفانه گفتمان انقلاب اسلامی در سینما به خوبی ارائه نشده است. دفاع مقدس فقط بخشی از گفتمان انقلاب اسلامی را تشکیل می‌دهد که البته بخش بسیار مهمی هم هست. تبیین مفاهیم و گفتمان، اصل مهمی در فرهنگ است که اگر وجود نداشته باشد، مفاهیم هر قدر هم که حقانیت داشته باشند، نمی‌توانند رشد و توسعه داشته باشند و در جا می‌زنند و به عبارتی کهنه می‌شوند. ما بخشی از گفتمان انقلاب را در سینمای دفاع مقدس تبیین کردیم. سینما ابزار گرانی است، ولی فوق‌العاده تأثیرگذارتر از رسانه‌های مکتوب است. در دنیایی که سرعت حرف اول را می‌زند، فیلم می‌تواند دهها مفهوم بزرگ را در خود جای دهد و به مخاطب ارائه کند. با توجه به رشد ارتباطات، گفتمان انقلاب اسلامی جایگاه مهمی پیدا می‌کند. به عنوان مثال تعداد سایت‌ها و پایگاه‌های اینترنتی ما که گفتمان انقلاب اسلامی را ترویج می‌کنند در مقابل آنچه دشمن در اختیار دارد، حجم نازلی را در بر می‌گیرد.

به لحاظ سخت‌افزاری که فکر نمی‌کنم مشکل زیادی در رسانه داشته باشیم. مسئله اصلی ما تولید نرم‌افزار است.

بله. امکانات ما خوب است و کفایت می‌کند. ولی در مقابل هزار و ۶۰۰ سایت ضد شیعی ما تعداد کمی سایت داریم که به شکلی اختصاصی و قوی تفکرات شیعه را به درستی ارائه می‌دهد، اما سینما ابزاری است که ما قابلیت خود را در استفاده از آن نشان داده‌ایم.

منظور شما روی زمین ماندن جنبش نرم‌افزاری است که رهبری بیش از یک دهه پیش از لزوم آن سخن گفتند؟

بله. دقیقاً. این مسئله اصلاً جدی گرفته نشد. ما نباید منتظر باشیم تا مسئولان این کار را انجام دهند. این یک فریضه است و مثل نماز و روزه می‌ماند. معتقدم ما به لحاظ حجم تولیدات فرهنگی و هنری در مقابل دشمن خیلی عقب هستیم، اما حقانیت حرف ما در برابر سخن باطل آنها نباید موضوع بی‌اهمیتی تلقی شود. حرف ما برای عرضه جذاب است، اما بلد نیستیم کالای خود را خوب بسته‌بندی کنیم. با این حال با همین بضاعت تا به حال تأثیرگذاری خوبی داشته‌ایم.

رسانه‌های انقلاب چقدر در پوشش اخبار هنر و فرهنگ مقاومت تکلیف بر گردن دارند؟

هنر و فرهنگ مقاومت اهمیت ویژه‌ای دارد. برای مثال جشنواره فیلم مقاومت ممکن است به لحاظ حجم آثار تولیدی در مضیقه باشد و به طور طبیعی با جشنواره‌هایی چون فجر قابل رقابت نباشد، اما به لحاظ تأثیرگذاری بی‌تردید بیش از جشنواره‌های دیگر تأثیرگذار است و برای همین هم رسانه‌های کشور باید برای پوشش اخبار این جشنواره سنگ تمام می‌گذاشتند. رسانه‌های ما با همین بضاعتی که دارند، باید سعی کنند هنر مقاومت را جهانی کنند.

به جز مسئله دفاع مقدس و بعد نظامی موضوع مقاومت، چه مفاهیم دیگری می‌تواند در قالب مفهوم سینمای مقاومت قرار بگیرد و جای آن در سینمای مقاومت خالی است؟ به نظر می‌رسد ذهنیت‌ها درباره موضوع مقاومت بیشتر در بعد نظامی آن محدود مانده و توجهی به ظرفیت‌های دیگری که این مفهوم دارد، چون اقتصاد مقاومتی، سبک زندگی یا دانش هسته‌ای و شهدای هسته‌ای نمی‌شود.

رهبر معظم انقلاب برای ملت ما نقطه‌گذاری و افق تعیین می‌کنند. ما باید چگونگی رسیدن به افق‌ها را تعیین و ریل‌گذاری کنیم. ولایت حکم قطب‌نما را دارد، ولی اینکه سینمای مقاومت به ابعاد دیگر کمتر توجه دارد، ناشی از این است که توسط اندیشمندان حوزه فرهنگ و هنر و به ویژه سینما نظریه‌پردازی صورت نمی‌گیرد. سینما به عنوان یک رسانه تأثیرگذار باید به نظرات استراتژیک رهبر معظم انقلاب توجه کند. درباره این مواردی که برشمردید متأسفانه در محافل فرهنگی گفت و گوی جدی صورت نگرفته و به همین دلیل سینما هم از آبشخور تئوریک مناسبی برخوردار نبوده است. در این باره باید آزمون و خطا صورت بگیرد، ولی وقتی حتی ورود به این مسائل انجام نمی‌شود، اتفاقی هم نمی‌افتد.

راه‌اندازی کمپین دیدن فیلم «یتیم‌خانه ایران»

یک منتقد سینما درباره فیلم «یتیم‌خانه ایران» نوشت: احساس می‌کنم راه انداختن کمپین خودجوش و مردمی دیدن فیلم «یتیم‌خانه ایران» تکلیف هر ایرانی باغیرت و ولایتمداری است.

امیرحسین جوانشیر، در فضای مجازی نوشت: اولین اکران عمومی فیلم سینمایی یتیم خانه ایران به کارگردانی ابوالقاسم طالبی در جشنواره فیلم مقاومت برگزار شد و مورد استقبال بی‌نظیر اهالی سینما و منتقدان و متدینان قرار گرفت؛ فیلمی که به خوبی توانسته است یک مقطع تاریخی حساس بعد از دوران مشروطه را برای مخاطبانش به تصویر بکشد و جنایات استعمار پیر انگلیس خبیث را نشان بدهد و با توجه به اینکه هنوز کشور ما درگیر سیاست‌های مداخله‌جویانه انگلیس خبیث است و توطئه‌هایش همچنان علیه کشور و مردم ما ادامه دارد، بنابراین دیدن این اثر هنری فاخر را به همه ایرانیان با غیرت و شجاع و مبارز توصیه می‌کنم و به نظر من این فیلم و پیامی که در آن مستتر است، به قدری مهم و ارزشمند است که جا دارد و پیشنهاد می‌کنم کمپین خودجوش دیدن فیلم «یتیم‌خانه ایران» را به‌راه بیندازیم و هر کسی با استفاده از هر ابزاری که در اختیار دارد، تبلیغ این اثر ارزشمند و ماندگار

هنری را بکند که این خود مقابله‌ای فرهنگی و عملی با استعمار پیر انگلیس است که حدود ۱۵۰ سال سایه شوم سیاست‌هایش بر سر مردم این مرز و بوم بوده است و هر چه در این خصوص تبلیغ و کار فرهنگی و هنری مستند و با مطالعه انجام پذیرد، باز عمق خباثت این روباه پیر به نمایش در نخواهد آمد و از این روست که احساس می‌کنم راه‌انداختن کمپین خودجوش و مردمی دیدن فیلم «یتیم‌خانه ایران» تکلیف هر ایرانی با غیرت و ولایتمداری است و در آخر هم باید عرض کنم نگاه دقیق و هنرمندانه و موشکافانه و تکلیف‌مدارانه ابوالقاسم طالبی الحق جای تحسین و افتخار دارد.